

کمتر از آنستکه در قانون مشاهده میشود و سهولت طلاق در ایران حقیقتاً خیلی کمتر از آنستکه قانون نشان میدهد. بطوریکه میتوان گفت نکاح برای هر دو ملت غربی و شرقی دارای روحی واحد است - زن و مرد ایرانی و فرانسوی پس از ازدواج تحت تأثیر عوامل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی زندگی خود را ادامه داده و در تربیت فرزندان مشترک میکوشند و در این امر چندان توجهی به حقوق و امتیازات قانونی خود ندارند زیرا میدانند اساس اجتماع فزلی بر پایه خانواده استوار و سنگ اساسی این عمارت را ابوبن بنا می‌نهند و اینها در صورتی میتوانند بوظائف مهمه خود قیام نمایند که ازدواج برای آنها عبارت از وسیله ثابت و دائم تولد و تناسل و تربیت اولاد باشد نه وسیله عوقت و زودگذر شهوترانی و استمتاع.

دکتر دادوند

بقلم آقای دکتر ملک اشعریلی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

مسئولیت جزائی

یکی از وسائل مؤثری که برای مبارزه با جرائم اطفال بکار برده میشود توجه بکانون خانواده است و در شماره قبل ضمن بحث راجع بموضوع فوق قوانین ایران را راجع بقیمومت و نگاهداری اطفال که مستقیماً تأثیر در جرائم اطفال دارد از نظر گذراننده و مطالب بچجر ولی قهری رسید که در صورت بچجر و یا موقعیکه ولی قهری ممنوع از تصرف در اموال طفل شد مدعی العموم بموجب قانون تکلیف و وظیفه دارد

که قیم یا سرپرستی برای طفل معین نماید و قانون ضمناً مقرر داشته است در مواردیکه برای عدم امانت ولی قهری نسبت به دارائی طفل امارات قویه موجود باشد دادستان مکلف است از محکمه ابتدائی رسیدگی به عملیات او را بخواهد و دادگاه در این مورد رسیدگی کرده در صورتیکه عدم امانت او معلوم شد مطابق مقرراتی که در این خصوص وضع شده رفتار خواهد نمود.

قانون مدنی ایران در صورت فوت پدر وجد پدری با وجود حیات مادر چنین مقرر داشته است :

هر يك از ابوين مكلف است در مواردیکه باید برای اولاد آنها قیم معین شود مراتب را بدادستان بدایت حوزه اقامت خود و یا به نماینده او اطلاع داده از او تقاضا نمایند که اقدام لازم برای نصب قیم بعمل آورد.

در صورت نبودن هیچیک از ابوین یا عدم اطلاع آنها انجام تکلیف مقرر در ماده قبل بعهده اقربائی است که با شخصی که تحت قیمومت است در یکجا زندگی میکنند قانونگذار خواسته است که غیر از ابوین خویشاوندانی را که اطلاع حاصل مینمایند پدر طفل فوت کرده مکلف نماید مراتب را بدادستان شهرستان حوزه اقامت خود اطلاع دهند تا در اثر تعیین قیم اموال طفل در معرض تلف و تضییع واقع نشود و اضافه مینماید که در هر موردیکه دادستان بنحوی از انحاء بوجود شخصی که مطابق مقرراتی که قبلاً ذکر شد باید برای او نصب قیم شود مسبوق گردید باید بمحکمه شرع (دادگاه شهرستان) رجوع نموده و اشخاصی را که برای قیمومت مناسب میدانند به محکمه مزبور معرفی کند. دادگاه شرع از بین اشخاص مزبور يك یا چند نفر را بسمت قیم معین و حکم نصب او را صادر مینماید و نیز دادگاه مزبور میتواند علاوه بر قیم يك یا چند نفر را بعنوان ناظر معین نماید و اگر دادگاه اشخاصی را که معرفی شده اند طرف اعتماد ندید معرفی اشخاص دیگری را از داسرا خواهد خواست.

بنا بر مراتب فوق در صورتیکه مقررات قانون مدنی راجع ولایت طفل بنحو صحیح و مطلوب اجرا شود اطفال از هر حیث تربیت کامل گرفته و از ابتدای تولد تا ۱۸ سالگی در تحت لوای قانون زیست خواهند کرد تکلیف و وظیفه سرپرست اطفال بموجب قانون معین و در صورت قصور و عدم مواظبت از طرف والدین یا ولای قهری نیز ترتیبی داده شده است که در هر حال طفل از لحاظ اخلاقی و جسمانی انحطاط پیدا نکرده و بالنتیجه و ننگرد و بی پناه در کوچه و معابر فاسد بار نیاید و باید متذکر بود که دستگاه دولت و قدرتی که در حکومت ملی از خود مردم بوجود میآید وظیفه اش فقط تعقیب جرائم نبوده بلکه بزرگترین تکلیف آنها برانگیختن و سائلای است که از پرورش و نمو عناصر فاسد جلوگیری شود یعنی سیاست جزایی بیشتر باید دنبال شود و همانطور که در شماره های قبل یاد آوری شد اصلاح اطفال و جلوگیری از مجرمیت اطفال در رأس همه اقدامات قرار گرفته اگر انسانی در اثر فساد و زشتی اخلاق در طفولیت دست بارتکاب جرائم کوچک زد در بزرگی قاتل و سارق و جاعل خطرناک میشود دقت و تحقیق در زندگی غالب مجرمین بزرگ نشان میدهد که ریشه فساد اخلاق و رفتار آنها در کوچکی نمو کرده و همان عدم مواظبت والدین و دستگاه حاکمه و بالاخره اجرا نکردن قوانین مذکور باعث بدبختی و فلاکت اطفال شده و امنیت جامعه بالنتیجه متزلزل شده است بالاخره میتوان گفت کسانی که در ابتدای عمر مرتکب جرم میشوند (حتی جرائم خفیف) از جانیهای خطرناک خواهند شد از اینرو اطفال کوچک هم باید در تحت مراقبت کامل قرار گرفته و قدرت دولت در کانون خانواده نفوذ کرده با وضع مقررات و مخصوصاً با اجرای صحیح آنها از شیوع فساد در بین جوانان و اطفال جلوگیری نماید.

قانون مدنی هم با توجه بهمین معنی مقررات مذکور در فوق را وضع نموده است و از طرفی چون تربیت و مواظبت در رفتار و اخلاق اطفال مستلزم مخارجی است

مقرراتی هم در این خصوص در قانون مدنی وجود دارد و بدین نحو اگر طفل از خود مالی داشته و بدون پدر رها شده باشد تا تعیین سرپرست دادستان و بعد از تعیین قیم تکالیفی برای جمع آوری و اداره اموال در قانون بعهده او واگذار شده که در صورت عدم کفایت یا ارتکاب جرمی از قیمومت منعزل میشود.

حفظ و نظارت در اموال صغار تا وقتی که قیم برای او معین نشده با دادستان میباشد.

در موقع تعیین قیم خویشاوندان صغیر بر سایرین برای این سمت تقدم خواهند بود قانون مدنی اشخاص زیر را از قیم بودن محروم کرده است:

- ۱ - کسانی که خود تحت قیمومت یا ولایت هستند.
- ۲ - کسانی که بعثت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه های زیر بموجب حکم قطعی محکوم شده باشند: سرقت - خیانت در امانت - کلاهبرداری - اخلاس - هتك ناموس یا منافیات عفت - جنحه نسبت باطفال - ورشکستگی به تصریح.
- ۳ - کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر و هنوز عمل ورشکستگی آنها تصفیه نشده است.
- ۴ - کسانی که معروف بفساد اخلاق باشند.
- ۵ - کسی که خود یا اقرباء طبقه اول او دعوائی با صغیر داشته باشند.

وقتی قیم تعیین شد مواظبت شخص صغیر و نمایندگی قانونی او در کلیه امور مربوط با اموال و حقوق مالی او باقیم است و برای اداره اموال صغیر با اطلاع از کلیه دارائی او قانون قیم را مکلف میکند که قبل از مداخله در امور مالی صغیر صورت جامعی از کلیه دارائی او تهیه کرده يك نسخه از آنرا با اعضای خود برای دادستان شهرستان یا شهرستانیکه صغیر در حوزه او سکونت دارد بفرستد و دادستان یا نماینده او باید نسبت بمیزان دارائی صغیر تحقیقات لازم بعمل آورد.

مبالغی را که در سال باید خرج نگهداری و تربیت صغیر شود و همچنین مبالغی را که برای اداره اموال صغیر لازم است دادستان باید تعیین نماید و هم بیش از مبالغ تعیین شده نباید خرجی بنماید و اگر مخارج اضافی لازم شد و بر آورد قبلی کافی نباشد قیم میتواند با تصویب دادستان مخارج دیگری که پیش آید بنماید اما اگر بدون جلب نظر دادستان مخارجی بشود طرف قبول واقع نشده و قیم مسئول خواهد بود.

بموجب قانون قیمی که کوتاهی در حفظ مال صغیر بنماید مسئول ضرر و خسارتی است که از نقصان یا تلف کردن آن مال حاصل شده و قانون اضافه کرده است که : هر گاه معلوم شود که قیم عمداً مالی را که متعلق بصغیر بوده جزء صورت دارائی او قید نکرده و یا باعث شده است که آن مال در صورت مزور قید نشود مسئول هر ضرر و خسارتی خواهد بود که از این حیث ممکن است بصغیر وارد شود و در صورتیکه عمل مزور از روی سوء نیت بوده قیم معزول خواهد شد بعلاوه قیم نمیتواند بسمت قیمومت از طرف صغیر با خود معامله کند یا مال خود را باو انتقال دهد و هم چنین نمیتواند اموال غیر منقول صغیر را بفروشد و یا رهن گذارد و یا معامله کند که از نتیجه آن خود مدیون صغیر شود مگر با ملاحظه غبطه صغیر و تصویب دادستان در صورت اخیر شرط حتمی تصویب دادستان ملائت قیم میباشد و نیز نمیتواند بدون ضرورت و احتیاج برای صغیر فرض کند مگر با تصویب دادستان البته در هر مورد دادستان صرفه و صلاح صغیر را در نظر گرفته و اجازه خواهد داد.